

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

طبقه کارگر ایران باید نقش موثر خود را

در تحول دمکراتیک جامعه ما ایفا کند!

کارگران و زحمتکشان ایران! حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران جشن اول ماه مه ' روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را بشما شاد باش میگوید. امسال طبقه کارگر جهانی جشن خود را در شرایط اوج جنبش انقلابی و رهایی بخش ' بسط نیرومند نهضت انقلابی و مطالباتی در شرایط تغییر تناسبات نیروها در صحنه بین المللی بسود سوسیالیسم ' صالح ' دموکراسی و استقلال خلقهای اسیر و وابسته ' در شرایط بحران عمیق و همگانی سرمایه داری جهانی پر با میکند. زحمتکشان جهان حق دارند با امید محکم به آینده بنگرند ' زیرا بیش از بیست و پنج سال پیش در راه مبارزه با سواستعمار و استعمار نو فراهم شده و نقش دگرگون کننده و نو سازی طبقه کارگر بیش از همیشه تقویت یافته است. در کشور ما نیز در اثر پیدایش رشته های جدید صنایع و رشد نیروهای مولده در شهر و ده طبقه کارگر ایران از جهت کمی و کیفی رشد مییابد و پروتئوریستی صنعتی بشکل قابل توجهی در حال فزونی است. طبقه کارگر به عامل باز هم مؤثر تر و مهمتری در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور ما مبدل شده و این نقش روز بروز تقویت مییابد. سنن طولانی مبارزات سیاسی و سندیکائی طبقه کارگر ایران بر رهبری حزب توده ایران و به رهبری اتحادیه های وابسته به شورای منجمده مرکزی در طبقه کارگر کشور ما زنده و پایدار است و این طبقه را برای رزمهای نوین الهام میبخشد. طبقه کارگر ایران استوارترین نیروی ترقیخواه جامعه ما، پیشگیرترین و قاطعترین مبارز ضد امپریالیسم و در راه استقلال و دموکراسی در کشور ماست و در پیکارهای استقلال طلبانه مردم کشور و تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک و بر رهبری تحولات بنیادی اجتماعی ایران آینده مهمترین نقش میبهدد او است.

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی و بر رأس آن شاه که قدرت بی پایان یک دیکتاتور خون آشام است خود متمرکز کرده است از طبقه کارگر هراس دارد و لذا از یکسو با تشدید فشار پائسی و با مستقر ساختن ساواک در هر کارخانه ها گروهک جمع واقعی و دسته جمعی کارگران برای خواستههای مطالباتی شان جلوگیری میکند و بهارترین کارگران را با زندان کرده و زندانی می افکند و از سویی دیگر سعی میکند با اقدامات رباکارانه و افسانه دروغین ' آشتی طبقاتی ' و با پیش کشیدن سیاستهای شناخته شده ای از قبیل شریک کردن کارگران در سهام ' مانع آگاهی کارگران گردد و آنها را از مبارزه با رژیم که حامی سر سخت استثمارگران است منحرف سازد. طبقه کارگر ایران قریب افسانه دروغین آشتی طبقاتی ' آشتی بین کرب و گوسفند ' آشتی بین غارتگر و غارت شده ' بین استثمارگر و استثمار شده را نمیخورد. سیاست کارگری رژیم با همه احزاب و سندیکاهای دولتی و قوانین و مقررات و عوامفریبیهای رنگارنگ نخواهد توانست کارگران ایرانی را در عصر پر شور ما که عصر بیداری جهان ' عصر تحریک تودهها ' عصر رهبری طبقه کارگر است از راه بدر کند.

در واقع وضع واقعی طبقه کارگر ایران خود دروغ بودن دعوی رژیم را نشان میدهد. بجز برخی از امتیازات حساب شده که به افراد معین از کارگران و در نقاط معین از کشور داده میشود ' اکثریت مطلق قریب به تمام کارگران و زحمتکشان شهر و ده در شرایط محرومیت و بی حتی کامل بسر میبرند. درجه استثمار از ایران یکی از شدیدترین درجات استثمار در جهان امروز است. در کشور فروتن ما هنوز دسترس داشتن به باولیه ترین نیازمندیهای زندگی: هشت ساعت کار ' دستمزد کافی ' بر خورداری از تعطیلات ' اطاق و

پیام به همراهان حزب توده ایران

گاهی کم و بیش کوششهایی میکنید و برخی دیگر تنها راه حزب توده ایران را میپذیرید ولی با انگیزه های گوناگون در کنار میدان نبرد ایستاده اید. روی سخن ما با شماست.

اکنون میهن ما دورات بسیار پیچیده ' بسیار دشوار ولی بسیار امید بخش از تاریخ خود را میگذراند. جهان امروز ما با شتاب روز افزون در حال دگرگونی است. ویژگی ستبرگ این دگرگونی در آنست که شرایط برای گسترش بیش از پیش جنبشهای نجاتبخش ملی ' توده ای و مترقی هر روز آماده تر میگردد. از یکسو در کشورهای سوسیالیستی و با کمک آنها در کشورهای هائی که راه ضد امپریالیستی و دموکراسی را برگزیده اند با وجود برخی دشواریها و شکست و پس نشینیهای گذرا پایه های نظام اجتماعی اقتصادی و فرهنگی روز بروز نیرومند تر میگردد و از سوی دیگر در جهان سرمایه داری چهار ستون نظام ددمنشانه امپریالیستی و ارتجاعی پلرزه افتاده و هر روز

گوشه ای از کاخ پر نخوت جور و ستم غارتگران فرو میریزد ' تضاد های درونی دنیای سرمایه داری هر روز شدید تر میشود. هم اکنون غارتگران امپریالیست و آنچه هایشان در همه جا بجان هم افتاده اند و همه با هم با بحرانهای درمان ناپذیر دست بگریزانند. در گذشته انحصار های چپاولگر برای نجات خود از این گونه بحرانها دو ' دارو ' در اختیار داشتند: بدین معنی که در درون کشور خود ' با روی کار آوردن رژیمهای فاشیستی و شبه فاشیستی همگی بار سنگین بحران را بدوش زحمتکشان میانداختند و در برون کشور با روشن کردن آتش جنگ خلیفه را به جنبه می کشاندند و در جریان آن یکی از آنان میکوشیدند گنجینه های دارائی جهان را بیش از پیش از چنگ رقیبان بریبانند و سوره های کلانتر و باز هم کلان تری را برای خود تأمین نمایند.

ولی امروز دیگر در برابر وجود و تأثیر سیاسی جنبه نیرومند کشور های سوسیالیستی و در درجه نخست در برابر نیروی شگرف اتحاد جماهیر شوروی و همچنین در برابر ایستادگی نیروی عظیم طبقات زحمتکش که هر روز آگاه تر و مبارز تر میشوند این ' دارو های ' دنباله در صفحه ۲

شاه از زبان پنتاگون سخن میگوید

دیباگو - گارسیا به پایگاه نظامی دریائی و هوایی امریکا چنین پاسخ داده است: ' آنها اغلب از نفوذ امریکا صحبت میکنند ولی به نفوذ روز افزون قدرت دریائی شوروی اشاره نمیکند. '

شاه در مصاحبه های قبلی نیز با استناد به چنین استدلالی ' البته بطور سر بسته ' اقدام پنتاگون را در تبدیل دیباگو - گارسیا به پایگاه نظامی توجیه کرده بود. ولی از آنجا که شاه این بار آشکارا با عنوان کردن ' نفوذ روز افزون قدرت دریائی شوروی ' درصد حمایت علنی تری از نقشه امپریالیسم برآمده بجاست دروغ او افشا و برملا شود.

افزایش قدرت دریائی اتحاد شوروی واقعیتی است انکار ناپذیر. این امر باید بیدار باشی باشد برای آن نیرو های و خلعت طلب امپریالیستی که میخواهند صلح جهانی و امنیت ملل را اینجا و آنجا مختل سازند. اما ادعای اینکه اتحاد شوروی در اقیانوس هند دارای پایگاه نظامی است و یا اصولاً چنین قصدی دارد دروغ آشکار است.

نسبت ایجاد پایگاه نظامی در اقیانوس هند به اتحاد شوروی که بمنظور روپوشی و توجیه توطئه های امپریالیسم امریکا در این منطقه اختراع شده تازگی ندارد. آخرین بار کنت راش معاون وزیر خارجه امریکا بهنگام سفر رسمی به اندونزی در اسفند ماه گذشته بمنظور توجیه اقدام پنتاگون 'خطر شوروی ' را بهانه قرار داد و عیناً چنین گفت: ' من فکر نمیکند اقیانوس هند باید فقط اقیانوس یکی از دولتهای بزرگ باشد و در این منطقه تنها روسها حضور داشته باشند. '

جمله اخیر همان جمله ایست که شاه در مصاحبه های بعدی برای اعلام نظر خود بکار برده و چنانکه اشاره شد در مصاحبه با نیویورک تایمز ' نیز آنرا نه سر بسته و در لافه ' بلکه آشکار و بی پرده گفته است. اگر شاه در سلسله مراتب خدمتگذاران رسمی پنتاگون سمت خود را اعلام میداشت تکرار باره ای کنت راش و نظایر او میتوانست یک امر عادی تلقی شود. لیکن شاه خود را رئیس یک کشور اعلام میکند و در این مورد مجاز نیست بطور علنی از زبان پنتاگون سخن بگوید. بعلاوه شاه قطعاً باید بداند که در پاسخ تهرانی نظیر گفته های کنت راش و دیگر مأموران امریکائی اظهارات رسمی سران خود کشور های آسیا وجود دارد که ادعای حضور نیرو های نظامی اتحاد شوروی در اقیانوس هند و دعوی ایجاد پایگاه را رد میکنند.

بانو ابندیرا گاندی ' نخست وزیر هندوستان در یکی از مصاحبه های اخیر خود ضمن انشای تهمت 'خطر شوروی ' در اقیانوس هند رسماً چنین اظهار داشت: ' اتحاد شوروی کشوری نیست که کشتیهای آن مقدم بر دیگران وارد این منطقه شده باشند. بعلاوه آنها چند مقاصد صلح هیچ تبت دیگری ندارند. ' موضع اتحاد شوروی در قبال اقیانوس هند بیش از آن روشن است که بتوان باستناد جعل 'خطر شوروی ' دنباله در صفحه ۲

در روز های که افکار عمومی جهانیان ' منجمه مردم ایران نگران اقدام پنتاگون در تبدیل دیباگو - گارسیا به پایگاه نظامی اتمی امریکا در اقیانوس هند است شاه با مصاحبه های دستوری رفته رفته بیشتر خود را بعنوان سخنگوی پنتاگون رسوا میسازد. از جمله این مصاحبه ها ' مصاحبه شاه با معبر نیویورک تایمز ' در جزیره کیش است که مقارن با روز اعتراض جهانی به توطئه جدید امپریالیستی در اقیانوس هند صورت گرفت.

شاه در قبال سؤال ' نیویورک تایمز ' پیرامون نظر او در باره اقیانوس هند و نگرانیهای دول ساحلی این اقیانوس ' منجمه دولت هندوستان ' از تبدیل

خروج از سنتو خواست مبرم مردم ایران است

۲۵ - مین کمیته نظامی سازمان پیمان مرکزی (سنسو) روز های نهم و دهم فروردینماه در تهران جلسه داشت. قرار است ۲۱ - مین اجلاسیه نوینی شورای وزیران سنسو روز ۳۱ اردیبهشت ماه در واشنگتن برگزار شود. نصیر عصار دبیر کل ایرانی سنسو سرگرم مسافرت هائی است که بمنظور تدارک و برگزاری این اجلاسیه صورت میگردد.

سال سومی است که شاه روش حساب شده قبلی خود را نسبت به سنسو تغییر داده و در صدد برآمده است پیمانی را که خود او یک باشکاه حرفه و در حال اختصار معرفی میگردد از نو زنده کند. چنانکه میدانیم این سالها درست مقارن زمانی است که در زمینه نپل به پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و حصول تفاهم غرب و شرق و باامال اثبات عدم ضرورت پیمانهای نظامی ' به ابتکار دول سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی چرخش واقعی و نمربخشی صورت گرفته است.

دربار ' سیاست خارجی کشور ما ایران را نه بر اساس تأثیر عوامل دراز مدت تأمین منافع ملی ' در انطباق با گرایشهای عمده صلح و همزیستی در سیاست بین المللی ' بلکه به پیروی از تمایلات ضد خلقی و تهمذات خود در برابر مرتجعترین محافل امپریالیستی تعیین میکند. از این جهت بود که اجلاسیه سال گذشته شورای وزیران سنسو در تهران ' که در یک وضع استثنائی برگزار گردید ' برای زمامداران ایران منشاء امید های فراوانی شد.

چرخش موقت دولت پاکستان در عدول از روش پیشین در قبال سنسو و اعزام نماینده رسمی به اجلاسیه تهران تحریکات دوگلاس هیوم وزیر خارجه دولت محافظه کار انگلستان و تأیید راجرز وزیر خارجه وقت امریکا از ' سیاست و نظر نوظبئی ایران در مورد سنسو ' عواملی بود که دولت ایران را به احیاء سنسو و قبول تهمذات کمر شکن دیگر در قبال این پیمان شوق و ترغیت مینمود.

با چنین برداشت غلط که گویا دوران جدیدی '

برای احیاء سنسو آغاز شده دولت ایران طی سال گذشته به اقدامات خطرناکی مبادرت ورزید. علنی کردن جنگ در ظاهر و شرکت وسیعتر در آن ' تا مرز کشا نیدن کمک نظامی ایران به حیشه بمنظور سرکوب مبارزات رهایی بخش در ظاهر و اریتره ' اقدام به خرید های غیر عادی و خارق العاده اسلحه و تجهیزات نوین نظامی از امریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان غربی حمایت علنی از محافل دیکتاتوری و نظامی در پاکستان در اوائل و اواسط سال گذشته و بالاخره تحریکات علنی تر پایان سال علیه جمهوری عراق و دامن زدن به اختلاف بین کردها و اعراب که هم اکنون ادامه دارد نمونه های از این اقدامات بشمار میروند.

شاه در رأس رژیم ' خلعت بری (دبیر کل پیشین سنسو) در مقام وزارت خارجه و عصار در سمت دبیر کل ایرانی پیمان سنسو در جریان چند سال اخیر ' بویژه سال گذشته ' تلاش همه جانبه ای بمنظور احیاء سنسو انجام داده اند. قاعدتاً آنها اکنون باید در انتظار برداشت نتایج لازم از کار خود باشند. اما درست در همین جاست که شاه بار دیگر مشاهده میکند سیاست ضد ملی و ارتجاعی او در دل بستن به پیمانهای امپریالیستی نظامی محکوم به شکست است.

هیچیک از وزرای خارجه ای که در ۲۰ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنسو سیاست دولت ایران را در مورد احیاء پیمان تأیید میکردند و در پیام شاه دایر باینکه باید نقش مهم سنسو ... را ارزیابی کنیم ' و در پیمان دفاعی سنسو باقی بمانیم ' صحه میدادند در ۲۱ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنسو شرکت نخواهند داشت:

ویلیام راجرز جای خود را به هنری کیسینجر داده است. دوگلاس هیوم وزیر خارجه دولت محافظه کار انگلستان جای خود را به کالا کان وزیر خارجه دولت کارگری داده است. تغییرات سال گذشته موجب شد خلیق بایولکن همراه با سیاست ارتجاعی دولت ترکیه جای خود را در دولت یولنت اجویت بدهد.

دنباله در صفحه ۲

افزایش قدرت دریائی اتحاد شوروی واقعیتی است انکار ناپذیر. این امر باید بیدار باشی باشد برای آن نیرو های و خلعت طلب امپریالیستی که میخواهند صلح جهانی و امنیت ملل را اینجا و آنجا مختل سازند. اما ادعای اینکه اتحاد شوروی در اقیانوس هند دارای پایگاه نظامی است و یا اصولاً چنین قصدی دارد دروغ آشکار است.

نسبت ایجاد پایگاه نظامی در اقیانوس هند به اتحاد شوروی که بمنظور روپوشی و توجیه توطئه های امپریالیسم امریکا در این منطقه اختراع شده تازگی ندارد. آخرین بار کنت راش معاون وزیر خارجه امریکا بهنگام سفر رسمی به اندونزی در اسفند ماه گذشته بمنظور توجیه اقدام پنتاگون 'خطر شوروی ' را بهانه قرار داد و عیناً چنین گفت: ' من فکر نمیکند اقیانوس هند باید فقط اقیانوس یکی از دولتهای بزرگ باشد و در این منطقه تنها روسها حضور داشته باشند. '

جمله اخیر همان جمله ایست که شاه در مصاحبه های بعدی برای اعلام نظر خود بکار برده و چنانکه اشاره شد در مصاحبه با نیویورک تایمز ' نیز آنرا نه سر بسته و در لافه ' بلکه آشکار و بی پرده گفته است. اگر شاه در سلسله مراتب خدمتگذاران رسمی پنتاگون سمت خود را اعلام میداشت تکرار باره ای کنت راش و نظایر او میتوانست یک امر عادی تلقی شود. لیکن شاه خود را رئیس یک کشور اعلام میکند و در این مورد مجاز نیست بطور علنی از زبان پنتاگون سخن بگوید. بعلاوه شاه قطعاً باید بداند که در پاسخ تهرانی نظیر گفته های کنت راش و دیگر مأموران امریکائی اظهارات رسمی سران خود کشور های آسیا وجود دارد که ادعای حضور نیرو های نظامی اتحاد شوروی در اقیانوس هند و دعوی ایجاد پایگاه را رد میکنند.

بانو ابندیرا گاندی ' نخست وزیر هندوستان در یکی از مصاحبه های اخیر خود ضمن انشای تهمت 'خطر شوروی ' در اقیانوس هند رسماً چنین اظهار داشت: ' اتحاد شوروی کشوری نیست که کشتیهای آن مقدم بر دیگران وارد این منطقه شده باشند. بعلاوه آنها چند مقاصد صلح هیچ تبت دیگری ندارند. ' موضع اتحاد شوروی در قبال اقیانوس هند بیش از آن روشن است که بتوان باستناد جعل 'خطر شوروی ' دنباله در صفحه ۲

پیام به همراهان حزب توده ایران

سستی دیگر نمیتواند مانند گذشته مؤثر واقع گردند. زیرا تناسب نیروها در میدان نبرد جهانی هر روز بیشتر بود نیرو های سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و بزبان امپریالیستها و مرتجعین در تقییر است و دمیدم امکانات تاریخی سرمایه داری امپریالیستی در عرصه های مختلف بیشتر کاهش می یابد.

تنها اگر يك نگاه کوتاه به سیاهه پس نشینی های امپریالیسم در سراسر جهان، که مهمترین آنها را شکست امپریالیستهای امریکائی در ویتنام باید شمرد، بیندازیم و پیروزیهائی را که در پنج سال گذشته نیرو های پیشرو و ضد امپریالیست بدست آورده اند از جلوی چشم بکنار آوریم درستی گفته بالا روشن میگردد. تنها در آن بخش از جهان که دورا دور ایران است از سال ۱۳۴۸ با بنظر پیش آمدهای چشمگیری رخ داده است. ما در این دوران کوتاه شاهد آن بوده ایم که در عراق، در پاکستان، در افغانستان و در ترکیه دگرگونیهای بیش و کم مهمی بوجود آمده که در نتیجه آن چهره سیاسی این بخش از جهان تقییر پایه ای کرده و رژیم ارتجاعی شاه ایران هر روز بیشتر در بملاقا افراد فرو مرود.

همگام با این دگرگونی در همه جهان سرمایه داری تناقضات درونی نظام ارتجاعی میهن ما که بر پایه حاکمیت مطلق شاه بر رأس طبقات حاکمه یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمینداران کلان و پوروکراتها و تواره بند های سیاست نو استعمار سازی استوار است هر روز بیشتر شدت پیدا میکند.

شما خود شاهد این تشدید تضاد ها هستید و می بینید که از یکسو غارتگری کلان در زمان جامه هم هر روز بی پروا تر میگردد و در برابر آن دشواریهای زندگی مردم هر روز افزایش مییابد. بعضی رفرمهای نیم بند و مردم فریبی های مسموم کننده رژیم اثر خود را از دست داده و دیگر قادر نیست بر روی این تناقضات سروپوش بگذارد.

شما می بینید که از یکسو ناراضیای مردم بطور بیسابقه ای شدت میگیرد و از سوی دیگر رژیم شاه برای نگهداری پایه های غارتگری خود هر روز بفشار و آدمکشی بیشتر دست میزند. فرزندان میهن پرست خفتهای ایران را یا از راه شکنجه و زندانها، یا از راه کشتار بی بند و بار در خیابانها و یا از راه اعدام رسمی گروه گروه درو میکنند.

خود این تشدید ترور و اختناق بهترین دلیل سستی پایه های حاکمیت رژیم کنونی است. فشار و آدمکشی رژیم شاه درست در دورانی هر روز بیشتر بالا میگیرد که در سراسر جهان شرایط عینی برای پاره شدن زنجیر های اسارت امپریالیستی و ارتجاعی هر روز آماده تر میشود و در ایران ناراضیای همگانی نه تنها همه مردم را فرا گرفته بلکه بخش چشمگیری از طبقات فرمانروای جامعه یعنی دور اندیشان آنها را دچار هراس و تردید کرده است.

رقای گرامی! شرایط جهانی و درونی برای گسترش جنبش ضد امپریالیستی، آزادخواهانه و پیشرو در میهن ما هر روز مساعد تر میگردد. در چنین دورانی بار سنگین ترین وظیفه بر دوش گردان آگاه جنبش است. بدون کوشش و فداکاری آگاه و منظم، بدون انضباط و پیگیری نیروی آگاه نمیتواند از این روند امید بخش بهره گیری کند و این کوشش و فداکاری انقلابی تنها در چهارچوب حزب پیشرو یعنی حزب طبقه کارگر میجوید تا بالا ترین مرز بار آور گردد. بدینکسختن گرد آوردن همه مبارزان انقلابی پیشرو جامعه در چهار چوب حزب توده ایران، یگانه سازمان سیاسی واقعی طبقه کارگر ایران، بصورت عمده ترین وظیفه تعویق ناپذیر همه مبارزان انقلابی ایران در هر جا که هستند برآمده است.

واقعیت دردناک جنبش ما ایست که کوشش های پیشتر جدا گانه و کمتر با هم دو بخش حزب یعنی بخشی که به هجرت اجباری آمد و بخشی که در ایران ماند در ۱۸ سال گذشته نتوانست به هدف خود که زنده کردن سازمانهای حزب در سراسر کشور است، برسد.

تردیدی نیست که در کنار عوامل گوناگون عینی (مانند فشار و اختناق سیاسی، نا پیگیری و ضعف و خیانت عناصر نیمه راه، اثر تبلیغات اتهام آمیز

خروج از سنتو خواست مبرم...

دولت با کشتن چنانکه مورد علاقه شاه بود نتوانست در جهت گسترش بیشتر بسمت پیمانهای نظامی حرکت کند، لیکن این دولت با خروج از سنتو اقدام به بهبود روابط خود با هندوستان و بنگلا دیش شرایط مساعد تری برای رهائی خود از قیود پیمان های نظامی ایجاد کرده است.

چنین تغییراتی که در فاصله زمانی کوتاه بین ۲۰ - ۲۱ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو تنها در منطقه عمل این پیمان صورت گرفته، علنا از عینم مانندن کامل امید شاه به احیاء سنتو حکایت میکنند. در صورتیکه شکست وارده به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در دیگر نقاط جهان از جمله شکست نظامی اسرائیل در جنگ اکتبر گذشته وهم چنین پیروزیهای مهمی را که از انعقاد قراردادهای اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در جریان سال قبل در اجرای سیاست صلح اتحاد شوروی دانه به تحقق سیاست هدریستی مسالمت آمیز، امنیت جمعی دراروپا و آسیا و بازگشت ناپذیر ساختن دوران جنگ سرده پندست آمده، در نظر بگیریم، خواهیم دید که سیر آتی تحول سیاست بین المللی نه فقط آرزوی شاه را در احیاء سنتو بر نمی آورد، بلکه شرایط مساعد تری به منظور پایان دادن به عمر پیمانهای نظامی ایجاد میکند.

در این شرایط، اجلاسیه قریب الوقوع شورای وزیران سنتو در واشنگتن نخواهد توانست در جهت آرزوهای شاه گام تازه ای بردارد ولی با این حال نمیتوان از نظردور داشت که تمایل مرتجعین محافظ امپریالیستی به ادامه دوران جنگ سرد و آمادگی شاه برای قبول تعهدات جدید به منظور حفظ سنتو، بویژه وضع خطرناکی برای امنیت و منافع کشور ما ایران، بوجود میآورد.

شما همراهان حزب است و این فرمان سرپیچی ناپذیر جنبش پیشرو خفتهای میهن ماست: هر چه زود تر به حزب توده ایران پیوندید همه نیرو های خود را برای زنده کردن و گسترش سازمانهای آن در سراسر کشور بکار اندازید و باندیشه و کار خلاصه خود برای بالا بردن کیفیت و نیروی کمی حزب بما کمک رسانید!

این حلقه اساسی تمامی جنبش نجات بخش ملی ما در لحظه تاریخی کنونی است. این وظیفه قوری امروز ماست و پس انداختن آن به فردا برای جنبش ما بسیار گران خواهد بود. فردا وظایف دشوار تر و دسترگ تری در برابر ما خواهد بود. رقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کوشیده است با بررسی همگانی در زمینه مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی برای این بهم پیوستگی بی ریزی استواری آماده سازد. ما با آماده ساختن طرح برنامه حزب و سند یگانگی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران، پایه ای برای یگانگی اندیشه و عمل بوجود آورده ایم و آنرا از راههای گوناگون به بسیاری از شما رسانده ایم.

ما در شیوه کار سازمانی خود تجدید نظر همه جانبه کرده ایم و کوشیده ایم آنرا با شرایط تشدید اختناق منطبق سازیم و برای برقراری بستگی با شما شیوه هائی را برگزینیم که با نیروی از آنها گزندی بشما نرسد.

ولی بدون تردید کاری را که حزب بدان دست زده است تنها و تنها بشما بشما همه جانبه با کوشش و فداکاری بیدریغ همه اعضاء حزب و بویژه همه اعضاء و همراهان حزب که در ایران هستند میتواند بار آور گردد.

این یاری تنها نمیتواند در چهارچوب تأیید شما از پیشنهاد های ما بماند. باید یگانگی در اندیشه را با یگانگی در مبارزه روزانه در کار انقلابی پیوند داد و این پیوند بدون بستگی استوار بین شما و ما امکان پذیر نیست.

پیوند ییگیری و استوار میان شما و ما تنها برای آن ضروری نیست که ما نظریات خود را به شما برسانیم؛ بلکه بهمین اندازه برای آن ضروری است که ما از نظریات شما که با واقعیت زندگی مردم برخورد نزدیک و هر روزه دارد و هر کدانه شاهد گوشه ای از آن هستیم آگاه شویم. ما از شما میخواهیم که ما را نه تنها در باره آنچه که در دور و بر شما میگذرد آگاه سازید، بلکه دید خود را نسبت به برنامه های رادیویی و نشریات حزبی بما برسانید.

تنها با این کمک همگانی شما همراهان حزب ما خواهیم توانست خواستههای روشن گسترده ترین نشر های زحمتکش و آزادخواهان میهنمان را در نشریات خود واگردان کنیم. این پیوند برای آن ضروریست که ما بتوانیم با یاری شما راههای را بنییم که به بخش هر چه گسترده تر نشریات حزب در میان مردم بیانجامد. این پیوند برای آن ضروریست که ما با یاری

دنباله از صفحه ۱

دولت با کشتن چنانکه مورد علاقه شاه بود نتوانست در جهت گسترش بیشتر بسمت پیمانهای نظامی حرکت کند، لیکن این دولت با خروج از سنتو اقدام به بهبود روابط خود با هندوستان و بنگلا دیش شرایط مساعد تری برای رهائی خود از قیود پیمان های نظامی ایجاد کرده است.

چنین تغییراتی که در فاصله زمانی کوتاه بین ۲۰ - ۲۱ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو تنها در منطقه عمل این پیمان صورت گرفته، علنا از عینم مانندن کامل امید شاه به احیاء سنتو حکایت میکنند. در صورتیکه شکست وارده به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در دیگر نقاط جهان از جمله شکست نظامی اسرائیل در جنگ اکتبر گذشته وهم چنین پیروزیهای مهمی را که از انعقاد قراردادهای اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در جریان سال قبل در اجرای سیاست صلح اتحاد شوروی دانه به تحقق سیاست هدریستی مسالمت آمیز، امنیت جمعی دراروپا و آسیا و بازگشت ناپذیر ساختن دوران جنگ سرده پندست آمده، در نظر بگیریم، خواهیم دید که سیر آتی تحول سیاست بین المللی نه فقط آرزوی شاه را در احیاء سنتو بر نمی آورد، بلکه شرایط مساعد تری به منظور پایان دادن به عمر پیمانهای نظامی ایجاد میکند.

در این شرایط، اجلاسیه قریب الوقوع شورای وزیران سنتو در واشنگتن نخواهد توانست در جهت آرزوهای شاه گام تازه ای بردارد ولی با این حال نمیتوان از نظردور داشت که تمایل مرتجعین محافظ امپریالیستی به ادامه دوران جنگ سرد و آمادگی شاه برای قبول تعهدات جدید به منظور حفظ سنتو، بویژه وضع خطرناکی برای امنیت و منافع کشور ما ایران، بوجود میآورد.

شما همراهان حزب است و این فرمان سرپیچی ناپذیر جنبش پیشرو خفتهای میهن ماست: هر چه زود تر به حزب توده ایران پیوندید همه نیرو های خود را برای زنده کردن و گسترش سازمانهای آن در سراسر کشور بکار اندازید و باندیشه و کار خلاصه خود برای بالا بردن کیفیت و نیروی کمی حزب بما کمک رسانید!

این حلقه اساسی تمامی جنبش نجات بخش ملی ما در لحظه تاریخی کنونی است. این وظیفه قوری امروز ماست و پس انداختن آن به فردا برای جنبش ما بسیار گران خواهد بود. فردا وظایف دشوار تر و دسترگ تری در برابر ما خواهد بود. رقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کوشیده است با بررسی همگانی در زمینه مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی برای این بهم پیوستگی بی ریزی استواری آماده سازد. ما با آماده ساختن طرح برنامه حزب و سند یگانگی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران، پایه ای برای یگانگی اندیشه و عمل بوجود آورده ایم و آنرا از راههای گوناگون به بسیاری از شما رسانده ایم.

ما در شیوه کار سازمانی خود تجدید نظر همه جانبه کرده ایم و کوشیده ایم آنرا با شرایط تشدید اختناق منطبق سازیم و برای برقراری بستگی با شما شیوه هائی را برگزینیم که با نیروی از آنها گزندی بشما نرسد.

ولی بدون تردید کاری را که حزب بدان دست زده است تنها و تنها بشما بشما همه جانبه با کوشش و فداکاری بیدریغ همه اعضاء حزب و بویژه همه اعضاء و همراهان حزب که در ایران هستند میتواند بار آور گردد.

این یاری تنها نمیتواند در چهارچوب تأیید شما از پیشنهاد های ما بماند. باید یگانگی در اندیشه را با یگانگی در مبارزه روزانه در کار انقلابی پیوند داد و این پیوند بدون بستگی استوار بین شما و ما امکان پذیر نیست.

پیوند ییگیری و استوار میان شما و ما تنها برای آن ضروری نیست که ما نظریات خود را به شما برسانیم؛ بلکه بهمین اندازه برای آن ضروری است که ما از نظریات شما که با واقعیت زندگی مردم برخورد نزدیک و هر روزه دارد و هر کدانه شاهد گوشه ای از آن هستیم آگاه شویم. ما از شما میخواهیم که ما را نه تنها در باره آنچه که در دور و بر شما میگذرد آگاه سازید، بلکه دید خود را نسبت به برنامه های رادیویی و نشریات حزبی بما برسانید.

تنها با این کمک همگانی شما همراهان حزب ما خواهیم توانست خواستههای روشن گسترده ترین نشر های زحمتکش و آزادخواهان میهنمان را در نشریات خود واگردان کنیم. این پیوند برای آن ضروریست که ما بتوانیم با یاری شما راههای را بنییم که به بخش هر چه گسترده تر نشریات حزب در میان مردم بیانجامد. این پیوند برای آن ضروریست که ما با یاری

دنباله از صفحه ۱

دولت با کشتن چنانکه مورد علاقه شاه بود نتوانست در جهت گسترش بیشتر بسمت پیمانهای نظامی حرکت کند، لیکن این دولت با خروج از سنتو اقدام به بهبود روابط خود با هندوستان و بنگلا دیش شرایط مساعد تری برای رهائی خود از قیود پیمان های نظامی ایجاد کرده است.

چنین تغییراتی که در فاصله زمانی کوتاه بین ۲۰ - ۲۱ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو تنها در منطقه عمل این پیمان صورت گرفته، علنا از عینم مانندن کامل امید شاه به احیاء سنتو حکایت میکنند. در صورتیکه شکست وارده به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در دیگر نقاط جهان از جمله شکست نظامی اسرائیل در جنگ اکتبر گذشته وهم چنین پیروزیهای مهمی را که از انعقاد قراردادهای اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در جریان سال قبل در اجرای سیاست صلح اتحاد شوروی دانه به تحقق سیاست هدریستی مسالمت آمیز، امنیت جمعی دراروپا و آسیا و بازگشت ناپذیر ساختن دوران جنگ سرده پندست آمده، در نظر بگیریم، خواهیم دید که سیر آتی تحول سیاست بین المللی نه فقط آرزوی شاه را در احیاء سنتو بر نمی آورد، بلکه شرایط مساعد تری به منظور پایان دادن به عمر پیمانهای نظامی ایجاد میکند.

در این شرایط، اجلاسیه قریب الوقوع شورای وزیران سنتو در واشنگتن نخواهد توانست در جهت آرزوهای شاه گام تازه ای بردارد ولی با این حال نمیتوان از نظردور داشت که تمایل مرتجعین محافظ امپریالیستی به ادامه دوران جنگ سرد و آمادگی شاه برای قبول تعهدات جدید به منظور حفظ سنتو، بویژه وضع خطرناکی برای امنیت و منافع کشور ما ایران، بوجود میآورد.

شما همراهان حزب است و این فرمان سرپیچی ناپذیر جنبش پیشرو خفتهای میهن ماست: هر چه زود تر به حزب توده ایران پیوندید همه نیرو های خود را برای زنده کردن و گسترش سازمانهای آن در سراسر کشور بکار اندازید و باندیشه و کار خلاصه خود برای بالا بردن کیفیت و نیروی کمی حزب بما کمک رسانید!

این حلقه اساسی تمامی جنبش نجات بخش ملی ما در لحظه تاریخی کنونی است. این وظیفه قوری امروز ماست و پس انداختن آن به فردا برای جنبش ما بسیار گران خواهد بود. فردا وظایف دشوار تر و دسترگ تری در برابر ما خواهد بود. رقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کوشیده است با بررسی همگانی در زمینه مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی برای این بهم پیوستگی بی ریزی استواری آماده سازد. ما با آماده ساختن طرح برنامه حزب و سند یگانگی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران، پایه ای برای یگانگی اندیشه و عمل بوجود آورده ایم و آنرا از راههای گوناگون به بسیاری از شما رسانده ایم.

ما در شیوه کار سازمانی خود تجدید نظر همه جانبه کرده ایم و کوشیده ایم آنرا با شرایط تشدید اختناق منطبق سازیم و برای برقراری بستگی با شما شیوه هائی را برگزینیم که با نیروی از آنها گزندی بشما نرسد.

ولی بدون تردید کاری را که حزب بدان دست زده است تنها و تنها بشما بشما همه جانبه با کوشش و فداکاری بیدریغ همه اعضاء حزب و بویژه همه اعضاء و همراهان حزب که در ایران هستند میتواند بار آور گردد.

این یاری تنها نمیتواند در چهارچوب تأیید شما از پیشنهاد های ما بماند. باید یگانگی در اندیشه را با یگانگی در مبارزه روزانه در کار انقلابی پیوند داد و این پیوند بدون بستگی استوار بین شما و ما امکان پذیر نیست.

پیوند ییگیری و استوار میان شما و ما تنها برای آن ضروری نیست که ما نظریات خود را به شما برسانیم؛ بلکه بهمین اندازه برای آن ضروری است که ما از نظریات شما که با واقعیت زندگی مردم برخورد نزدیک و هر روزه دارد و هر کدانه شاهد گوشه ای از آن هستیم آگاه شویم. ما از شما میخواهیم که ما را نه تنها در باره آنچه که در دور و بر شما میگذرد آگاه سازید، بلکه دید خود را نسبت به برنامه های رادیویی و نشریات حزبی بما برسانید.

تنها با این کمک همگانی شما همراهان حزب ما خواهیم توانست خواستههای روشن گسترده ترین نشر های زحمتکش و آزادخواهان میهنمان را در نشریات خود واگردان کنیم. این پیوند برای آن ضروریست که ما بتوانیم با یاری شما راههای را بنییم که به بخش هر چه گسترده تر نشریات حزب در میان مردم بیانجامد. این پیوند برای آن ضروریست که ما با یاری

دنباله از صفحه ۱

دولت با کشتن چنانکه مورد علاقه شاه بود نتوانست در جهت گسترش بیشتر بسمت پیمانهای نظامی حرکت کند، لیکن این دولت با خروج از سنتو اقدام به بهبود روابط خود با هندوستان و بنگلا دیش شرایط مساعد تری برای رهائی خود از قیود پیمان های نظامی ایجاد کرده است.

چنین تغییراتی که در فاصله زمانی کوتاه بین ۲۰ - ۲۱ - مین اجلاسیه شورای وزیران سنتو تنها در منطقه عمل این پیمان صورت گرفته، علنا از عینم مانندن کامل امید شاه به احیاء سنتو حکایت میکنند. در صورتیکه شکست وارده به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در دیگر نقاط جهان از جمله شکست نظامی اسرائیل در جنگ اکتبر گذشته وهم چنین پیروزیهای مهمی را که از انعقاد قراردادهای اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در جریان سال قبل در اجرای سیاست صلح اتحاد شوروی دانه به تحقق سیاست هدریستی مسالمت آمیز، امنیت جمعی دراروپا و آسیا و بازگشت ناپذیر ساختن دوران جنگ سرده پندست آمده، در نظر بگیریم، خواهیم دید که سیر آتی تحول سیاست بین المللی نه فقط آرزوی شاه را در احیاء سنتو بر نمی آورد، بلکه شرایط مساعد تری به منظور پایان دادن به عمر پیمانهای نظامی ایجاد میکند.

در این شرایط، اجلاسیه قریب الوقوع شورای وزیران سنتو در واشنگتن نخواهد توانست در جهت آرزوهای شاه گام تازه ای بردارد ولی با این حال نمیتوان از نظردور داشت که تمایل مرتجعین محافظ امپریالیستی به ادامه دوران جنگ سرد و آمادگی شاه برای قبول تعهدات جدید به منظور حفظ سنتو، بویژه وضع خطرناکی برای امنیت و منافع کشور ما ایران، بوجود میآورد.

شما همراهان حزب است و این فرمان سرپیچی ناپذیر جنبش پیشرو خفتهای میهن ماست: هر چه زود تر به حزب توده ایران پیوندید همه نیرو های خود را برای زنده کردن و گسترش سازمانهای آن در سراسر کشور بکار اندازید و باندیشه و کار خلاصه خود برای بالا بردن کیفیت و نیروی کمی حزب بما کمک رسانید!

این حلقه اساسی تمامی جنبش نجات بخش ملی ما در لحظه تاریخی کنونی است. این وظیفه قوری امروز ماست و پس انداختن آن به فردا برای جنبش ما بسیار گران خواهد بود. فردا وظایف دشوار تر و دسترگ تری در برابر ما خواهد بود. رقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کوشیده است با بررسی همگانی در زمینه مشی سیاسی و شیوه کار سازمانی برای این بهم پیوستگی بی ریزی استواری آماده سازد. ما با آماده ساختن طرح برنامه حزب و سند یگانگی در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی در ایران، پایه ای برای یگانگی اندیشه و عمل بوجود آورده ایم و آنرا از راههای گوناگون به بسیاری از شما رسانده ایم.

ما در شیوه کار سازمانی خود تجدید نظر همه جانبه کرده ایم و کوشیده ایم آنرا با شرایط تشدید اختناق منطبق سازیم و برای برقراری بستگی با شما شیوه هائی را برگزینیم که با نیروی از آنها گزندی بشما نرسد.

ولی بدون تردید کاری را که حزب بدان دست زده است تنها و تنها بشما بشما همه جانبه با کوشش و فداکاری بیدریغ همه اعضاء حزب و بویژه همه اعضاء و همراهان حزب که در ایران هستند میتواند بار آور گردد.

این یاری تنها نمیتواند در چهارچوب تأیید شما از پیشنهاد های ما بماند. باید یگانگی در اندیشه را با یگانگی در مبارزه روزانه در کار انقلابی پیوند داد و این پیوند بدون بستگی استوار بین شما و ما امکان پذیر نیست.

پیوند ییگیری و استوار میان شما و ما تنها برای آن ضروری نیست که ما نظریات خود را به شما برسانیم؛ بلکه بهمین اندازه برای آن ضروری است که ما از نظریات شما که با واقعیت زندگی مردم برخورد نزدیک و هر روزه دارد و هر کدانه شاهد گوشه ای از آن هستیم آگاه شویم. ما از شما میخواهیم که ما را نه تنها در باره آنچه که در دور و بر شما میگذرد آگاه سازید، بلکه دید خود را نسبت به برنامه های رادیویی و نشریات حزبی بما برسانید.

تنها با این کمک همگانی شما همراهان حزب ما خواهیم توانست خواستههای روشن گسترده ترین نشر های زحمتکش و آزادخواهان میهنمان را در نشریات خود واگردان کنیم. این پیوند برای آن ضروریست که ما بتوانیم با یاری شما راههای را بنییم که به بخش هر چه گسترده تر نشریات حزب در میان مردم بیانجامد. این پیوند برای آن ضروریست که ما با یاری